

بسی گمان کشف و شناخت نصوص دینی در ادوار مختلف تاریخی تنها محدود به قرآن و در عالم اسلام نبوده است و در این میان تجربه‌های گرانبها و بس بزرگی در زمینه‌های مختلف پدید آمده است؛ چه این که تفسیر نصوص، محدود به قرآن نیست و شامل کشف و پرده برداری از معانی روایات اسلامی نیز می‌گردد که از آن تعبیر به فقه الحدیث می‌شود؛ همچنین از نصوص اسلامی گذشته و کتب دیگر ادیان را نیز دربردارد و در آن عرصه تلاشهای زیادی در امر تفسیر انجام گرفته است.

تفسیر و هرمنوتیک

پژوهشی مقایسه‌ای میان تفسیر
قرآن و دانش تفسیر کتاب مقدس

سید محمدعلی ایازی

و گاه با مقایسه تفسیر قرآن با دیگر نصوص دینی؛ زیرا اگر دایره کنکاشها گسترده شود و تجربه‌های جوامع گوناگون ملاحظه گردد، آگاهی ما از این دانش، ژرف‌تر و گسترده‌تر خواهد شد. بنابراین بحث مقایسه و شناخت مطرح است و این مسأله صرف‌نظر از قبول و عدم قبول این متون و مفاد آنهاست. سخن از مقایسه در امر تفسیر و سیر تجربیات و آگاهی از فراز و نشیبهاست و نه قضاوت در متون دینی. بدین روی پیش از ذکر تفاوت‌های کلی میان قرآن و تفسیر کتاب مقدس به پاره‌ای توضیحات درباره دانش تفسیر در مسیحیت و مجموعه محتویات آن اشاره

می‌کنیم و آنگاه به سیر تطور تفسیر و روشهای آن نظر می‌اندازیم.

● هرمنوتیک

علم هرمنوتیک در اصطلاح انگلیسی، به علم تفسیر متون مقدس و به‌طور خاص، تفسیر تورات و انجیل گفته می‌شود. این واژه در اصل یونانی و مصدر فعلی آن هرمنیتی

در آغاز ممکن است این سؤال در ذهن خطور کند که چرا مقایسه، و آیا مگر قرآن از نظر صحت استناد و عرضه مطالب قابل مقایسه با دیگر کتابها و سایر متون دینی است؟ حقیقت آن است اگر ما در پی شناخت هرچه بهتر تفسیر و روشهای مفسران قرآن باشیم، ناچاریم این کاوش را گاه با بررسی موضوع و سیر تطور تفسیرهای گوناگون انجام دهیم

Hermenein است. در این علم کوشش بر آن است که ضابطه‌هایی برای چگونگی فهم کلام و مواجهه و برداشت از متون مقدس فراهم آید. عزیز فهیم یکی از پژوهندگان معاصر کتاب مقدس سه معنا را برای این کلمه برمی‌شمرد:

۱- در آغاز این اصطلاح در یونان به کسانی گفته می‌شد که در اتصال با آلهه بودند و اراده آلهه را تفسیر می‌کردند. به همین دلیل هرمس یکی از خدایان اساطیری را مفسر و متکلم آلهه نامیده‌اند. و فیلو (م ۳۰ قبل از میلاد) فیلسوف یهودی از هارون به عنوان سخنگو و مفسر موسی (علیه السلام) یاد می‌کند، زیرا کلمات غامض و سبزی آن حضرت را توضیح می‌داده است.

۲- گاهی این واژه به معنای ترجمه بکار رفته است. در این راستا بارها این کلمه در عهد جدید در خصوص ترجمه از زبانی به زبان دیگر استعمال شده است.^(۱) مثلاً در کلمه سلوام (یوحنا، باب ۷/۹) که کلمه‌ای است عبری آمده: «معنایش آن است که تفسیر کن یعنی آن معنا را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کن».

۳- تفسیر و هرمنوتیک در عصر جدید نزد مسیحیان تحول یافته و از معنای سنتی خود دگرگون شده است. بنابراین این تحول، تفسیر، جنبه ارشادی و نوبه نو شدن مفاهیم متناسب با نیازهای عصر پیدا کرده است، و لذا طبق این معنا و تحولی که در تفسیر کتاب روی داده، خدا وقتی در کتاب مقدس سخن می‌گوید، مفسر آن را بگونه‌ای بیان می‌کند که با مفاهیم روز سازگار باشد و آن قالب و جهتگیری خاص را به آموزه‌هایی تبدیل می‌کند که متناسب با زندگی عصر است. در این صورت مفسر کتاب مقدس به عنوان شارح معمولی عمل نمی‌کند، بلکه مفسری است هدفدار و جهت دهنده که به دنبال انتقال فرهنگ و تمدن از زمانی به زمان دیگر است؛ یعنی متناسب با فهم مخاطبان جدید مطالب را فراهم می‌آورد.^(۲)

● تفسیر در فرهنگ اسلامی

بنابراین، اگر تفسیر در فرهنگ اسلامی با کاوش در معنای لغوی به معنای کشف و اظهار و پرده‌برداری آمده است -^(۳)

چه از ریشه فسر باشد یا سفر یا تفسره - همگی برای روشن ساختن، تبیین کردن و پرده‌برداری از مفاد کلام آمده است،^(۴) با بخشی از معنای تفسیر در مسیحیت که به معنای توضیح آمده برابری می‌کند، و همین معنای لغوی در قرآن اراده شده است: «ولا یأتونک بمثل الا جئناک بالحق واحسن تفسیراً».^(۵) و البته اصطلاح تفسیر طبعاً مناسب با ویژگی قرآن و سیر تطوری که این دانش یافته در بیان قرآن پژوهان مطرح و معنا شده است. زیرا گفته می‌شود تفسیر سخن گفتن از اسباب نزول و شأن نزول و داستانهای مربوط به آنهاست.^(۶) در حالی که وجه جامع این تعریفها این سخن است: تفسیر عبارت از علمی است که از حالات الفاظ و کلام خداوند از حیث دلالت بر مراد خداوند متعال بحث می‌کند.^(۷) و به دنبال کشف و پرده‌برداری از مفهوم کلام است. البته در علم تفسیر قرآن تحولاتی راه یافته که به هنگام توضیح روشها خواهد آمد.

● اطلاعات کلی درباره تورات و انجیل

تورات کلمه‌ای است عبری و معنایش شریعت و ناموس

۱- از باب نمونه به انجیل یوحنا، باب ۷/۹، متی، باب ۲۳/۱، مرقس، باب ۴۱/۵ و باب ۲۳/۱۵ و ۳۴، نگاه کنید.

۲- فهیم عزیز، علم التفسیر، ص ۱۱-۹.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۶/۳۶؛ مفردات راغب، ماده فسر.

۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸۶/۹.

۵- سوره فرقان، آیه ۳۳.

۶- معالم التنزیل، ج ۳۵/۱.

۷- تفنازانی، حاشیه بر کشف، همچنین طبرسی، مجمع البیان، ج ۱/۱.

سفر عدد نیز گوشه‌ای از تاریخ بنی اسرائیل را بیان می‌کند و چون مباحث آن بیشتر در باب تقسیم بنی اسرائیل و تعداد اسباط و گروه‌ها و سپاهیان و اموال آنهاست و سخن از تقسیم‌بندی و عدد است، این سفر به نام عدد نامیده شده، گرچه مباحثی از احکام عزیر در آن آمده است.^(۳)

۲- از مجموعه‌های بعدی به نام اسفار تاریخی یاد می‌شود که شامل دوازده سفر از تاریخ بنی اسرائیل پس از استیلا بر زمین کنعانیین و استقرار در فلسطین و مسائل مختلف آن می‌باشد.

۳- اسفار انبیا، شامل هفده سفر است که در آن تاریخ پیامبران پس از موسی مانند اشعیا، ارمیا، خرقیال، دانیال، هوشع و... (علیهم‌السلام) آمده است.

۴- اسفار اناشید که شامل پنج سفر می‌شود و مجموعه مواعظ و دستورات اخلاقی به صورت شعرگونه است.

● سیر تطور تفسیر در عهدین

سه حرکت مهم و در عین حال طولانی در سیر تطور تفسیر در عهد قدیم و جدید شکل گرفته که عمدتاً نه براساس بررسیهای نظری، بلکه بیشتر ناشی از ضرورت‌های عملی و واقعیات موجود در کتاب مقدس بوده است:

۱- حرکت نخست حرکت یهودی است که از عهد عزرای پیامبر و توسط وی در اواخر قرن ششم پیش از میلاد آغاز گشته و بدین صورت بوده که به تعبیر خودشان اراده خداوند را از تورات اعلان می‌کردند و نیازهای دینی و آموزه‌های ارشادی را بازگو می‌نمودند. یهود در این زمان از اسارت‌های طولانی و سختیهای بسیار رنج کشیده و آن دورانهای پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته و زندگی و اندیشه‌اش کاملاً دگرگون شده و به آگاهی‌هایی رسیده که پیش از آن نرسیده بود. در این موقعیت اعلان و بیان کتاب ناموس مفهوم بسیار

است. در عرف قرآن آنچه بر حضرت موسی (علیه‌السلام) وحی شده کتاب موسی یاد شده است.^(۱) و در عرف یهود مجموعه اسفار پنجگانه را تورات می‌گویند.^(۲) خود یهودیان بر سی و نه سفر اعتماد دارند و از مجموع آن به عهد قدیم یاد می‌کنند و آنچه را که در اناجیل چهارگانه و نامه‌های پولس و یوحنا و دیگران و گزارش سفرهای رسولان بویژه پولس آمده و مورد پذیرش مسیحیان فعلی است، عهد جدید و مجموعه عهد جدید و قدیم را کتاب مقدس می‌نامند. عهد قدیم شامل چهار قسمت می‌گردد:

۱- تورات یا اسفار پنجگانه: سفر تکوین، سفر خروج، سفر تثنیه، سفر لاوین، سفر عدد. سفر تکوین دربردارنده قصه پیدایش و آفرینش جهان از زمین و آسمان تا دوران استقرار فرزندان یعقوب در سرزمین مصر است با تفصیلی که در باب قصه آدم و حوا و نوح آمده است. سفر خروج شامل خروج بنی اسرائیل از مصر و تاریخ آنان در دوران تیه است. در این سفر بخشی از احکام شریعت یهود از عبادات و معاملات و احکام جزایی آمده است.

سفر تثنیه که به معنای بازگشت دوباره و تکرار تعلیم حضرت موسی (علیه‌السلام) از ناحیه خداوند و با عرضه و بیان جدید است، به معنای دلیل تثنیه الشریعة هم گفته شده است.

سفر لاوین که نسبت به خانواده لاوی از فرزندان یعقوب دارد و حضرت موسی (علیه‌السلام) و هارون هم از این نسل بوجود آمده‌اند، درباره این خانواده سخن می‌گوید و اهمیت آنان را در بنای هیكل و حفظ شریعت یاد می‌کند و لذا این سفر به آنها نسبت داده شده است.

۱- به عنوان نمونه نگاه کنید: سوره انعام، آیه ۱۵۴؛ سوره اعراف، آیه ۱۴۵؛

سوره اسراء، آیه ۲.

۲- کتاب یوشع، باب ۸/۱.

۳- رمزی نغناعه، الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر، ص ۳۱.

یکی از مهمترین فعالیت‌های جدی در دانش تفسیر کتاب مقدس، گرایش به تفسیر رمزی و مجازی است.

گسترده‌تر از پیش به خود گرفته و از مرتبت خاصی برخوردار شده است.

۲- حرکت دوم، حرکتی است که از ناحیه گروه قمران آغاز گردید. این گروه معتقد بودند از جماعت اسنپین (منتظران واقعی مسیح) هستند این گروه در قرون پیش از میلاد می‌زیسته و مجتمع یهودی را رها کرده و در سواحل بحرالمیت می‌زیسته‌اند و باور داشتند که تنها آنها جماعت مقدس و یادگار گذشته و حقیقتاً منتظر آمدن حضرت مسیح

(علیه السلام) هستند، بر همین اساس عهد قدیم را تفسیر می‌کردند و بر خود منطبق می‌نمودند.

۳- حرکت سوم، حرکت مسیحیت است که عهد جدید را متمم عهد قدیم می‌داند و آنچه را که در عهد قدیم آمده، نوعی مهیاسازی مسائل بعدی می‌انگارد، و حضرت مسیح (علیه السلام) را با آمدن و زندگی و مرگ و قیام و صعودش نوعی تفسیر بیانات عهد قدیم می‌داند و در این جهت حرکت و تفسیر می‌کند.

● تفسیر کتاب مقدس در عصر حاضر

دانش تفسیر با تلقی جدید در واقع پژوهش متنی در کتاب مقدس نیست، تا شامل مباحث ادبی و کلاسیک گردد. بلکه گامی است تطبیقی-زبانی که از سخن خدا در این کتاب آغاز و به وعظ و هدایت منتهی می‌گردد. ویژگیهای این نوع تلقی از

۱- تفسیر دیگر محدود به گروهی خاص نمی‌گردد، بلکه هر فرد مؤمنی حق دارد که با کتاب مقدس مواجه شود. البته این حرکت بیشتر از ناحیه گروه پروتستانها و اصلاح طلبان قرون اخیر مطرح می‌شود. در برابر آن، حرکت کاتولیکهاست که تفسیر کتاب مقدس را منحصر به دستگاه کلیسا می‌داند.

۲- سخن در قالب و پیام معینی قرار نمی‌گیرد، لذا در هر زمانی پیامی مناسب با مسائل و مشکلات و نیازهای پیروان خود دارد و مفسر کارش استخراج این پیام و نقل این رسالت از شرایطی به شرایط دیگر و از مفهومی پیشین به مفاهیم قابل درک برای انسان معاصر است.

۳- تفسیر جدید تنها شرح و بیان نص نیست، بلکه نوعی گفتگو با کتاب است، تا بتواند رسالت حقیقی و زنده جاوید را بازگو کند.^(۱)

بنابر این تحلیل، در سیر تطوّر حرکت تفسیر در کتاب مقدس در حقیقت نوعی انطباق واقعیات و تحولات بر کتاب تلقی می‌گردد و تأویل و تعیین مصداق، در رأس این جریانات بزرگ عهد قدیم و جدید قرار می‌گیرد.

● تفسیر رمزی

اما در کنار این حرکت، یکی از فعالیتهای مهم و قابل توجه در دانش تفسیر کتاب مقدس، گرایش به تفسیر رمزی (سمبولیک) و به اصطلاح تفسیر مجازی است. در تاریخ تفسیر یهودیت دو حرکت متمایز وجود دارد:

۱- حرکت مدرسه فلسطین که به روش ظاهرگرایی و بهره‌گیری از قواعد الفاظ و ظهور کلام توجه دارد و اصطلاحاً تفسیری بیانی و ظاهری است.

۲- حرکت مدرسه اسکندریه که به مجازگرایی و تأویل و رمزی بودن کلمات تکیه می‌کند و الفاظ را در جهت معانی خاصی توجیه و تأویل می‌نماید. این مدرسه تأثیر عمیقی در فلسفه و تمدن یونان داشته و برخی از متفکران این گرایش مثل آرسطوپولس (م ۱۶۰ ق م) که معلم بطلمیوس بوده معتقد

است که فلسفه یونان از کتاب عهد قدیم گرفته شده و مُثُل افلاطون از این مدرسه تفسیری که به رمزگرایی عنایت دارد اتخاذ شده است. گذشته از پولس مهمترین مفسر این مدرسه «فیلو» است که پدر تفسیر مجازی شناخته شده است.^(۱)

فیلو با اینکه تفسیر ظاهری و حرفی را به طور کلی نفی نمی‌کند، اما به تفسیر رمزی بهای اساسی می‌دهد و برای آن قاعده‌ای ذکر می‌کند و می‌گوید: تأویل در جایی ضروری است که ما نسبت به انتساب وصف یا فعلی نتوانیم براساس ظواهر الفاظ عمل کنیم و در این صورت باید تفسیر ظاهری حرفی را کنار بگذاریم. این بخش از تأویلات بر دو قسم هستند: برخی از آنها شاید طبیعی بنماید، مانند آنجایی که در سفر تکوین آمده که آدم خود را از نگاه خدا مخفی کرد.^(۲) «فیلو» می‌گوید این کلام مناسب با شأن خدا نیست، زیرا خداوند همه کس را می‌بیند، پس باید بگونه‌ای تفسیر کنیم که این محذور پیش نیاید. یا در باره احفاد حضرت ابراهیم (علیه السلام) آمده که ابراهیم پدر آنها بود^(۳) در حالی که جد آنها بوده، پس معنای پدر را باید بگونه‌ای تأویل کنیم تا محذور لغوی پیش نیاید.^(۴) این نوع تفسیر در اسلام نمونه و سابقه دارد و مفسران بسیاری درباره اوصاف خداوند چون ید، عرش، کرسی و یا حتی نسبت غضب، نسیان که بیانگر نوعی جسمانیت و داشتن خصوصیات انسان است، تفسیری به غیر معانی ظاهری دارند.

بخشی دیگر از تأویلات بویژه در عهد قدیم مربوط به ذکر حوادث و وقایعی است که ظاهر و باطن آنها هرگز قابل توجیه نیست و مفسرین به فکر تأویل آنها افتاده‌اند. به عنوان نمونه در عهد قدیم مسأله مست شدن لوط توسط دخترانش و همبستر شدن با آنان مطرح می‌گردد.^(۵) یا مست شدن حضرت نوح (علیه السلام) و رسوایی برخی از فرزندان او^(۶) و برخی حوادث مانند قصه یهودا و تامار، داستان یعقوب و فریب دادن پدر و دروغ گفتن وی^(۷) که مفسران تأویل‌گرا ناچار به توجیه و غیرواقعی بودن این حوادث تأکید کرده از آنها معانی رمزی و مجازی جستجو نموده‌اند.^(۸)

برخی از مفسران معاصر مسیحی نسبت به عهد جدید

چنین عمل کرده و بخشی از مسائل انجیل را به آهستگی کنار گذارده‌اند. به عنوان نمونه به معجزات مطرح شده در انجیل از سوی حضرت مسیح (علیه السلام) نمی‌پردازند، گرچه درباره مرگ و صلیب کشیده شدن حضرت اشاره دارند، اما زنده شدن و قیامت او را منکرند و از سوی دیگر به جنبه‌های آموزشی و تربیتی مناسب با زمان تأکید می‌کنند.^(۹) از نکات قابل توجه این است کسانی که عهد جدید را به نگارش

در آورده‌اند، یا به تفسیر آن در آن عهد پرداخته‌اند. چون در خانواده‌هایی یهودی تربیت شده‌اند نه تنها متأثر از عهد قدیم و تفسیر مسائل آن بوده‌اند، بلکه در حقیقت در روش تفسیری دنباله عهد قدیم را پی گرفته‌اند.^(۱۰) ما در روایات انجیل به موارد بسیاری از تفسیر خود حضرت مسیح (علیه السلام) از این شیوه‌های موجود تفسیر رمزی یهود برخورد می‌کنیم.

فیلو:

تأویل در

جایی است که

ما نسبت به

انتساب

وصف یا فعلی

نتوانیم بر

اساس ظواهر

الفاظ عمل

کنیم.

۱- فهم عزیز، علم التفسیر، ص ۲۶.

۲- سفر تکوین، باب ۲۷/۱.

۳- سفر تکوین، باب ۸/۲.

۴- عزیز فهم، علم التفسیر، ص ۲۶.

۵- سفر پیدایش، باب ۳۳/۱۹-۳۸.

۶- همان، باب ۲۱/۵.

۷- سفر پیدایش، باب ۱۶/۲۷-۳۰.

۸- عزیز، ص ۵۳.

۹- همان، ص ۱۳۰.

۱۰- انجیل یوحنا ۱/ ۱۰.

به عنوان نمونه: در انجیل یوحنا از حضرت عیسی (علیه السلام) نقل می‌کند که چگونه داستان شبانی را می‌آورد که گوسفندان را صدا می‌زند و آنها را از آغل بیرون می‌کند و با صدای آشنایی که از او می‌شناسند او را همراهی می‌کنند، در حالی که اگر غریب و دزد باشد نمی‌روند، بلکه می‌گریزند. این مثل را یسوع می‌گوید، اما حواریون نمی‌فهمند منظور چیست بدین روی ناچار می‌شود توضیح دهد که این مثال رمز و کنایه است:

به درستی من در جای گوسفندانم و جماعتی که آمده‌اند پیش از من دزدان بوده‌اند، لیکن گوسفندان نشنیده‌اند و من آمده‌ام و شما را دعوت می‌کنم.^(۱)

و از این دست تفسیرهای رمزی در انجیل فراوان است.^(۲) همچنین از این نمونه‌ها در نامه‌های پولس رسول و دیگران آمده است و تأثرشان از تفسیر رمزی یهودی دیده می‌شود، زیرا پولس یهودیتش از مدرسه اسکندریه و از شخص فیلو، قهرمان تفسیر رمزگرای گرفته شده است.^(۳)

● سیر تطور تفسیر قرآن

بنای رفیع تفسیر قرآن بر اساس یک سیر طبیعی و نیاز واقعی جامعه اسلامی پدید آمد. این بنا آغازش در عهد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ریخته شد و رفته رفته در جامعه شکل گرفت. قرآن در نظر مسلمانان از همان آغاز به عنوان کتابی که درس راهنمایی و جهت دهنده به برنامه‌های زندگی و عمل است تلقی می‌گردید و چون به طور تدریجی و در مدت طولانی نازل شد با هر آیه و سوره‌ای که فرومی‌آمد، به عنوان یک دستور الهی جدید برخوردار می‌گردید و کلمه به کلمه و آیه به آیه آن، در دستگاه فهم و دستورالعمل جامعه اسلامی قرار می‌گرفت. و از آنجا که مطابق با فرهنگ و زبان عمومی مردم نازل شده بود و در جمعی منسجم و منضبط قرار می‌یافت، مسلمانان با زبان طبیعی و بدون دشواری با آن برخورد می‌کردند، و چون واژه‌ها و جمله‌ها از همان سنخی بود که خود به آن سخن می‌گفتند و دشواریهای نسل‌های بعدی را

نداشت که کلمات جدید از فرهنگهای دیگر وارد فرهنگ عربی شود، مشکلات کمتری در تفسیر داشتند. بویژه آنکه بسیاری از آیات و سوره‌ها در واکنش به حوادثی بود که در نظر مخاطبان عصر نزول مانوس و شناخته شده بود و یا قرآن از عاداتی از جاهلیت خبر می‌داد که آنان در آن عصر می‌زیستند و می‌دانستند. وانگهی حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مسلمانان نقطه دیگری از اتکا برای فهم قرآن و تفاوت اصلی مسلمانان صدر اسلام با دیگران بود. و لذا تفسیر در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در نهایت سادگی، بیان لغات تفصیل احکام و جمع میان آیات بود. اما پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این وضع نمی‌توانست ادامه یابد و لذا تفسیر تدریجاً به صورت دانشی درآمد که با نقل احادیث و آثار و اقوال صحابه و تابعین بود، و به شکل نوشته‌های حدیثی و اثری تلقی می‌گشت، و بعدها تبدیل به روشی به نام تفسیر اثری شد. در برابر این حرکت، نقد و تحلیل این آثار و چند و چون و تأمل در کلمات و بررسی‌های لفظی شکل گرفت که آن هم تبدیل به تفسیر اجتهادی شد.

سیر تفسیر قرآن گرچه در این دو شاخه مهم - اثری و اجتهادی - بالیدن گرفت، اما از آن، شاخه‌های دیگری پدید آمد. زیرا مفسران از نظر روش و اسلوب و سلیقه بحث در استنباط معانی آیات و شکل ارائه اختلافات بسیاری داشتند و هر یک از آنان قرآن را از زاویه‌ای و دیدگاهی و با معلوماتی مورد مطالعه قرار می‌داد، بگونه‌ای که تفاسیر هر یک با هم مختلف و برداشتها متفاوت می‌گشت. گروهی آیات قرآن را تنها از نقطه نظر ادبیات و بلاغت و فصاحت مورد کنکاش قرار می‌دادند و گروهی به مباحث فلسفی و کلامی توجه می‌کردند و به ذکر شرایط تاریخی خاص و مبارزات اعتقادی مسلمانان توجه کرده و نقش اصلی آنان را توضیح می‌دادند، و گروهی دیگر به مسائل عرفانی و اشارات معنوی و تأکید بر

۱- انجیل یوحنا ۱/ ۱۰.

۲- عزیز، ص ۲۷۹.

۳- همان و لعنه، الاسرائیلیات، ص ۵۶.

زبانها انجام می‌گیرد و از دستورات خاصی پیروی نمی‌کند، بلکه دستورات زبان و قواعد ادبیات و معیارهای اصول لفظی را به‌طور عام پیگیری می‌کند. شاید بخش مهمی از کتاب مقدس با چنین معیاری تفسیر گردد و موقعیت خاصی نداشته باشد. بیشترین مطالب این بخش مباحث الفاظ و دلالت‌های آن و شکل استفاده از مفهوم و خصوصیات زبان کتاب مقدس است.

۲- دانش خاص که نسبت به بخشها و فصول خاصی قابل پیروی است و برخاسته از ویژگیهای فصول کتاب مقدس است. به‌عنوان مثال قسمتهایی از کتاب مقدس، زبان تصویری یا رمزگونه دارد. در این کتاب مثل به وفور یافت می‌شود. اگر در قرآن حداکثر ۴۹۵ مورد مثل و شبه مثل و تشبیه و مانند آن وجود داشته باشد،^(۲) در انجیل یک سوم تعالیمش را امثال تشکیل می‌دهد.

از تشبیهات و کنایه‌ها و الفاظ تمثیلی انجیل که بگذریم، انجیل تنها چهل مثل خاص و بیست جمله مثالی دارد.^(۳) این ویژگی را می‌توان در نوشته‌های شعری، ذکر خوابها، اخبار غیبی و آینده‌گویی‌های این کتاب ملاحظه کرد. طبعاً این دسته‌ها از کلمات نوعی تفسیر خاص را می‌طلبد و زبان و قواعد مخصوصی برای فهم و استنباط آن لازم است و از جهت دیگر تطبیق عملی و استخراج پیام مناسب با خصوصیات آنها لازم است. به‌همین دلیل تفسیر پژوهان مسیحی در مباحث نظری خود این تقسیم را رعایت نموده و قواعد هر بخش را به‌طور مستقل مطرح کرده‌اند. البته در تفسیر قرآن نیز افزون بر مباحث موضوعی چون آیات الاحکام و اخلاقیات قرآن، نوعی بخش‌بندی و تقسیم محورهای کلام منظور بوده است. به‌عنوان مثال در علوم قرآن سوگندها، مثلها، قصه‌ها، حروف مقطعه، تشبیهات و متشابهات و یا آیات هستی‌شناسی آن به‌طور اختصاصی

مسائل اخلاقی و اشارات سیر و سلوکی روی می‌آوردند. از نکات جالب و قابل مقایسه، تفسیر رمزی و باطنی در جهان اسلام است که اساس و بنای مطالب خود را به معلومات بیرون از قرآن می‌گذاشت و آیات را رمز و اشاره به آنها می‌دانست؛ بدون آنکه لفظ و قواعد ادبی و ظاهر کلمات به آن معانی دلالت داشته باشد.

از نمونه‌های دیگر، تفسیر صوفی است که با تفسیر رمزی باطنی بسیار شبیه است، اما در اساس بر پایه تعلیمات عرفانی و ذوقی بنا شده و از طریق کشف و شهود به کلام نسبت داده می‌شود.

از صبغه‌های دیگر تفسیر قرآن، تفسیر هدایتی و تربیتی است. گرچه مفسر از آغاز به دنبال پرده برداری و کشف معانی قرآن است، اما بی‌گمان در کار خود هدفدار هم می‌تواند باشد. این حرکت یکی از چهره‌های بارز و درخشان تفسیر در تاریخ بوده که به این دانش زیبایی و جذابیت خاصی بخشیده است. مفسر در این روش نشان می‌دهد که از این آیه چه باید نتیجه‌گیری کند و پیام و دعوت قرآن چیست و خواننده به دنبال چه چیزی باشد. در این راستا یکی از سبکهای تفسیری که در قرن اخیر شکل گرفته تفسیر اجتماعی است. بی‌گمان یکی از خصیصه‌های مهم قرآن نگرش به زندگی اجتماعی است. این نگرش را می‌توان در ابعاد گوناگون آیات ملاحظه کرد و نموده‌های آن را در دستورات عملی قرآن دید. مباحثی در زمینه فقر و غنا، اتحاد و اختلاف، خانواده و حکومت، عدالت و مبارزه با مفاسد، مبارزه با کم‌فروشی، جاسوسی، تجسس در کار افراد، نشانه‌های این حقیقت است که قرآن مسائل جامعه را کمتر از مسائل فرد نگرفته است؛ هرچند در گذشته اینگونه تفسیر مطرح نبوده است، و اگر مطرح می‌شده از زاویه وظیفه فردی آن بوده است. این تحول تفسیری رخ می‌دهد.^(۱)

● اقسام دانش تفسیر مسیحی

مباحث دانش تفسیر مسیحی در سه بخش تقسیم می‌گردد:

۱- دانش عام. علم تفسیر در این بخش مطابق همه کتابها و

۱- درباره تفصیل این روشها و آشنایی با سبک و نمونه‌های آن نگاه کنید:

ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۳۶-۹۸.

۲- صغیر محمد حسین، الصورة الفنیة فی المثل القرآنی، ص ۴۶۴.

۳- عزیز، علم التفسیر، ص ۳۷۰.

مورد بحث و تأمل قرار گرفته و نکات ویژه‌ای برای آنها بیان شده است.^(۱)

۳- دانش تطبیقی. هدف از این تفسیر که در حقیقت نوعی جهتگیری و گرایش به روشی در تفسیر است، منطبق کردن اصول و مبادی به دست آمده از تفاسیر عام و خاص به زندگی انسان معاصر و روشن کردن راه و روش و عقیده مناسب با نیازها و پرسش‌های وی است. مسلماً تفسیر پژوهان مسیحی در تفسیرنگاری آن هم در تفسیر تطبیقی روشی مشخص دارند، زیرا نمی‌توان با شیوه‌ای خودسرانه و بدون قاعده، از عهده شرح و تبیین و توضیح پیام نص برآمد،^(۲) بدین جهت بحثی مبسوط درباره قاعده‌مندی و اصول مهم این دانش را مورد توجه قرار داده‌اند.

● ضرورت‌های تفسیری در قرآن و کتاب مقدس

ضرورت‌های تفسیری در قرآن مجید به دو جهت عمده برمی‌گردد: یکی تأکیدی که خود قرآن نسبت به لزوم تدبیر و تعقل در آیاتش را فرموده است.^(۳) و به پیامبر دستور داده است آنچه را ما نازل می‌کنیم آنها را برای مردم بیان کن و توضیح ده.^(۴) در روایات اسلامی نیز خصوصیات بیان شده که ایجاب می‌کند همواره به کلمات الهی با دقت و تأمل بیشتری توجه گردد، مانند آنچه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره قرآن فرموده: که قرآن دارای بطون و چهره‌هایی بس ژرف و دارای وجوه و معانی گوناگون است.^(۵)

و یا فرموده است: ظاهر قرآن زیباست، باطن آن ژرف و ناپیدا است، عجایب آن سپری نگردد و غرایب آن به پایان نرسد و تاریکی‌ها جز بدان زدوده نشود.^(۶)

و دیگر آنکه در قرآن تشابهاتی است که باید به محکمت برگردانده شود (آل عمران/۷) و در بیان مطالب، اسلوب و ویژه‌ای را به کار گرفته و در جایی موجز بیان کرد. و در جایی دیگر توضیح داده است. و قرآن به مانند کتابهای پیشین یکجا نازل نشده است و مدت نزول آن هم دوران کوتاهی نبوده است. نکته دیگر آنکه تألیف قرآن با توجه به ترتیب نزول گردآوری نشده و اگر در دورانی پاره‌ای از آیات به اجمال

مطلبی را بیان می‌کند و برای مخاطبان در آن شرایط روشن بوده است، اما برای افراد دیگر آشکار نبوده است و این ترتیب تاریخی به هر دلیل به هم خورده است. از سوی دیگر تفاوت تاریخی عصر نزول و عصر تألیف تفسیر است. فرهنگ اجتماعی و رفتاری جامعه در این چهارده قرن کاملاً تحول یافته و تفاوت اساسی پیدا کرده و حوادثی در آن عصر رخ داده و آیات قرآن درباره آن سخن گفته که تحلیل و درک آن آسان نیست.

از سوی دیگر برخی موضوعات احکام دستخوش دگرگونی شده به این دلیل تفسیر قرآن باید با توجه به این تفاوتها انجام گیرد و شرایط عصر نزول را تشریح کند.

اکنون این ضرورت تفسیر در کتاب مقدس بازبانی دیگر بیان شده است؟ در مسیحیت در آغاز این سؤال مطرح شده که چه عواملی موجب گرایش به تفسیر شده و آیا خود کتاب مقدس می‌تواند خود را تفسیر کند، آیا ممکن است بگوییم این کتاب در موقعیتی قرار دارد که برای همه کس قابل فهم و استفاده است. ایرنیاوس (م ۱۳۰ م) از بزرگترین مفسرین کتاب مقدس در قرن دوم میلادی معتقد بود که تنها کلیسا قادر به

۱- نمونه این دسته از کتابها را می‌توان از اقسام القرآن ابن قیم، امثال القرآن حکمت، مشابه القرآن ابن شهر آشوب و تشبیهات القرآن ابن ناتیا و آیات

الکویتیه حنفی احمد، و حروف مقطعه عبدالعجبار شراره یاد کرد.

۲- عزیز، التفسیر، ص ۱۸ و ۱۶۹.

۳- سوره ص ۲۹: کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر اولوالالباب.

۴- وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون. نحل/۴۴.

۵- نهج البلاغه، نامه ۷۷.

۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۸، از ترجمه دکتر شهیدی/۲۰۱.

اگر کسی با تورات و انجیل آشنا باشد می‌داند که این دو کتاب ویژگی‌های مخصوص به خود را دارند. بسیاری از پژوهشگران مسیحی به مسأله یگانگی آن تأکید دارند، اما این یگانگی را در وحدت ادبی آن نمی‌دانند.^(۳) زیرا روشن است که این کتاب دارای اسلوبهای چندگانه از نظر نثر، شعر، تاریخ، قصه، بیان معجزات، امثال، حکمت‌ها، اخبار غیبی، سرودها و رموز و قضایای مجازی است. با این همه آنان معتقد به نوعی وحدت هستند؛ وحدت محتوایی و سیر مضمونی از آغاز تا فرجام. اما چون دارای اسلوبهای چندگانه است، مسأله ضرورت تفسیر و استخراج پیام را مطرح می‌کنند. زیرا بر این باورند که چنین کاری جز با انسجام دادن مواد پراکنده و سامان دادن کلمات حاصل نمی‌گردد. به عنوان نمونه قسمتی از کتاب مقدس را رویاها تشکیل می‌دهد، که اسلوب بیان آنها مخصوص به خود است. ارائه و عرضه این رویاها برای مسیحی معاصر خالی از دشواری، پیچیدگی و شبهه نیست. به ویژه اینکه مفسر می‌خواهد از رویاها نوعی پیام تربیتی و هدایتی استخراج کند و آن را به گونه‌ای بیان کند که در عصر حاضر جاذبه داشته باشد.

● ساختار کتاب

مسأله دیگر ساختار کتاب مقدس و مضمون و کیفیت دنبال‌گیری مطالب است که باز برای یک مفسر مسیحی مهم است. ساختار کتاب بنا بر آن چیزی است که یک مسیحی از آن می‌فهمد و به آن اعتقاد دارد، بعد الهی دارد و نه انسانی. لذا تفاوت اساسی با دیگر کتابهایی دارد که در پی اثبات خداوند و ارائه برهان بر وجود خالق جهان است. زیرا یک کتاب فلسفی، تلاش بشری برای شناخت و رسیدن به خداست. اما در کتاب

تفسیر کتاب مقدس است و دیگران حق تفسیر را ندارند.^(۱) اما این عقیده رفته رفته از بین رفته و اکنون کسی تفسیر را محدود به گروهی خاص به جز نیاز به تخصصهای لازم نمی‌کند، اما عواملی چند را در گرایش به تفسیر و ضرورت‌های آن مؤثر می‌داند مانند ویژگیهای کتاب مقدس، چگونگی شکل‌گیری این کتاب و ساختار آن.

● جایگاه کتاب مقدس

این نکته بدیهی می‌نماید که تورات و انجیل مربوط به سالهای بسیار دور و میراث تمدنهای پیشین است. زبان و مطالب آن مناسب با دورانی است که کاملاً با شرایط فرهنگی و اجتماعی و طبیعی انسان معاصر بدور است. بسیاری از کلمات، حوادث، افکار و ایده‌ها حتی خصوصیات جغرافیایی آمده است که برای جوامع بعدی بویژه در این چند قرن اخیر نامأنوس و غیر قابل هضم و نیازمند توضیح است. لذا برای درک این کتاب، مباحث مقدماتی و علوم تمهیدی نکات مهم و محورهای اصلی کتاب، شرایط و موقعیت نگارش و اسباب بیان کلمات، تعیین مخاطبان این سخنان، اهدافی که در اندیشه کاتبان بوده و به هنگام نگارش در آن باره می‌اندیشیده‌اند و اهدافی را که دنبال می‌کرده‌اند و چرا بدین شکل به نگارش درآورده‌اند، ارائه می‌گردد. از نکاتی که به دنبال طرح ضرورت تفسیر مطرح می‌گردد، این است که چرا کتاب آهنگ منسجمی ندارد و دارای اسفار متعددی است و آیا می‌توان این اسفار را در یک سیاق قرار داد.^(۲)

● عوامل گرایش به تفسیر

همچنین از مباحث مربوط به عوامل گرایش به تفسیر، توضیح درباره چگونگی شکل‌گیری این کتاب است.

۱- عزیز ۴۲/ - ۴۳.

۲- همان، ص ۱۸۸.

۳- همان، ص ۱۴.

مقدس طبق دیدگاه یک مسیحی این انسان نیست که به پیش می‌رود، بلکه این خداست که به سوی او می‌آید و خود را معرفی و روشن می‌کند. بدین جهت «الله» در کتاب مقدس، پایه و اساس آن چیزی است که خدا را در تاریخ معرفی کرده و مفسر نیازمند توضیح آن برای مخاطبان خود است.^(۱)

● روشهای تفسیری در کتاب مقدس

همانطور که در سیر تطور تفسیر اشاره کردیم، از نخستین دوران کتابت و تدوین، تفسیرهای گوناگونی از عهد قدیم و جدید نگارش و عرضه شده است. یکی از روشهای بسیار قدیمی و گسترده در تفسیر، تفسیری لغوی و تاریخی یا تفسیر ظاهری است. منظور از این روش، توضیح معنای نص و بیان مراد کاتب اول و آنچه مخاطبان و شنوندگان عصر می‌فهمیدند، بود. بسنده کردن به مراد آن عصر و فهم مخاطبان اوائل، گرچه هم‌اکنون در میان تفسیر پژوهان مسیحی مورد انتقاد قرار گرفته است،^(۲) اما در برهه‌ای از زمان طرفداران جدی داشته است. به همین دلیل مفسری را موفق می‌دانستند که بتواند لغات و کلمات مبهم و مراد کاتب را توضیح دهد و از این جهت به جنبه‌های تاریخی اشاره کند. زیرا در سراسر کتاب مقدس چه در عهد قدیم و چه در عهد جدید، حتی در میان رسائل و اعمال رسل و نامه‌های پولس این مسائل تاریخی و جغرافیایی وجود دارد و بدون توضیح مسائل، آن نکات روشن نمی‌گردد و موقعیت کلام روشن نمی‌شود.

صبغه‌ای دیگر از تفسیر، تفسیر تعبدی و سلوکی است. در این سبک از تفسیر بر ابعاد هدایتی و ارشادی تأکید می‌شود، و یک مسیحی به تعبد و تسلیم و اخلاص در مسیحیت خوانده می‌شود و از مسائل سیر و سلوک و رابطه میان فرد و جامعه مسیحی و برادران دینی سخن می‌رود. برای رسیدن به تفسیر سلوکی و تعبدی خواننده و مفسر نباید خود را به حروف و کلمات محدود کند، و باید اختلافات میان عهد قدیم و جدید را دریابد. چون عهد قدیم برای جماعت و ملت خاصی در برهه‌ای از تاریخ اجتماعی و سیاسی و جغرافیایی نوشته شده،

در حالی که عهد جدید این عنوانها را ندارد. همچنین باید مفسر موضع خود را در برابر خدا، مؤمنین و غیرمؤمنین به دست دهد.

تفسیری دیگر، تفسیر لاهوتی کتاب مقدس است. این نوع تفسیر تنها در بیان کلمات و توضیح واژه‌ها و سیر تاریخی آن نیست، بلکه به دنبال مشخص کردن پیام و به دست دادن محتوای کلام برای خواننده است.^(۳)

داستان‌گرایی به این روش از آنجا آغاز گردید که در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم حرکتی بس بزرگ در تأکید بر پژوهشهای تاریخی و لغوی و متنی کتاب انجام گرفت. بسیاری را گمان بر این بود که دیگر این مهمترین مسأله تفسیر است و روشی مافوق آن برای تفسیر نیست. چون مفسر نص را کاملاً بررسی می‌کند، معنای کلمه را می‌شناساند، سیاق و نظم کلمات و سیر تاریخی، شکل جمله‌بندی و ارتباط میان آنها و مسائل پیش ذهنی تاریخی و فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد، در آن صورت به حقیقت و کنه کلام رسیده و کار به پایان می‌رسد. اما از آغاز قرن بیستم، تحولی چشمگیر در تفسیر مسیحی پدید آمد. کارت پارت تفسیر رساله رومیه خود را عرضه کرد. او در این کتاب، بررسیهای واژگانی و تاریخی را پایه برای شناخت کتاب مقدس قرار نداده بود، بلکه به دنبال این بود که تحلیل کند که کاتب مقدس چه می‌اندیشد و هدفش از ارائه آن چه بوده و اهدافی که جنبه لاهوتی دارد چیست؟

۱- عزیز، ص ۱۶-۱۹.

۲- همان، ص ۴۸۰.

۳- همان، ص ۲۲۹.

میان تفسیر قرآن و تورات و انجیل بود. اما تفاوت‌هایی از نظر خصوصیت نص و سبک و اسلوب بیان وجود دارد که تأثیر اساسی در تفسیر این دو کتاب دارد. به اجمال به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تفاوت آغازین و مهم قرآن با کتاب مقدس در این است که به طور کل در کتابهای دینی ادیان الهی ادعا نشده که عین کلمات خداوند در اختیار مردم قرار گرفته است، بلکه پیامبران تجارب روحانی و باطنی خود را در اختیار مردم می‌گذاشته‌اند، و کتابهایی مانند تورات و انجیل درحقیقت گزارش آن تجارب و توصیف آن تعالیم بود. اما درباره قرآن کریم عین سخنان وحی با همان حروف و کلمات به دست ما رسیده است. به تعبیر دیگر عهد قدیم و جدید نقل شفاهی تاریخ و مستندات دینی یهودیت و مسیحیت است، لذا در نقل به معنا و تفاوت دربرداشت و مسائل دیگر هر گزارش دینی و تاریخی محتمل است، و همچنین اضطراب و جابه‌جایی و دست بردن‌های عمدی و غیر عمدی از سوی جاهلان و معاندان قابل پیش‌بینی است.^(۳) اما درباره قرآن به دلایلی که در علوم قرآن به تفصیل آمده تمام نص قرآن متواتر و قطعی و تردیدناپذیر است.^(۴)

۲- قرآن کتاب واحدی است در حالی که این دو کتاب چندگانگیهای بسیار حتی متعارض و متهافت دارد. انجیل یک کتاب نیست، و حتی مرقس، لوقا و یوحنا گزارشهای مختلفی از سخنان عیسی (ع) و حوادث مربوط به آن حضرت را نقل کرده‌اند که در برخی از قسمت‌ها با همدیگر سازش

۱- عزیز، ص ۴۳۰.

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱/۱۱۴، نمودهایی از این نوع تفسیر را در حروف مقطعه و با تفسیرهای مذهبی و تطبیق آیات با اشخاص را می‌توان مشاهده کرد.

۳- درباره این ویژگی نگاه کنید، فهم عزیز، المدخل الی عهد جدید، ص ۱۵۸ - ۱۷۶؛ همفردی کارنیتز، عیسی، ترجمه حسن کامشاد، ص ۱۳۰ و ۱۱ - ۴۲؛ مورس بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن، ترجمه ذبیح‌الله دبیری، ص ۱۹، ۳۹، ۵۷، ۶۲، ۷۲ - ۸۶.

۴- درباره صیانت قرآن نگاه کنید: معرفت، صیانة القرآن من التحریف؛ سید علی میلانی، التحقیق فی نفی التحریف، انتشارات دارالقرآن الکریم، قم.

البته معنای این سخن این نبوده که تفسیر لاهوتی بی‌نیاز از تفسیر لغوی و تاریخی است، یا مفسر گمان کند می‌تواند رسالت و پیام کلمه الله را بشناسد، بدون آنکه این جنبه‌ها را بررسی کند. بلکه منظور این بود که تمام پژوهشها باید بر مبنای درک و دریافت پیام الهی باشد،^(۱) و پژوهشهای لغوی و تاریخی مقدمه این هدف قرار گیرد. یکی دیگر از تفسیرها تفسیر رمزی است. درباره تفسیر رمزی پیش از این سخن گفته‌ایم و سابقه و عمق‌گرایش به آن را شرح داده‌ایم، اما یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که این مدرسه تفسیری، شباهت بسیاری دارد با آنچه در جهان اسلام به ویژه در میان گروههایی از مذاهب چون باطنیه رخ داده و از این جهت قابل بررسی است.

شاید ریشه این تشابه روایاتی بوده است که توسط راویان و مفسران خاص این گرایش گزارش شده و حروف و کلمات نشانه‌های رمزی تلقی گشته است. در مجامع حدیثی شیعه نمودهایی از این تفسیرهای رمزی را می‌توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) از تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم سؤال می‌کند، حضرت می‌فرماید: باء در بسم الله رمز بهای الهی و سین سنای او و میم ملک یا مجد اوست.^(۲)

این سبک از تفسیر را در تأویلات و برگرداندن تفسیر ظاهری به معانی باطنی مشاهده می‌شود، که اینک در مقام قضاوت و بررسی چند و چون آن نیستیم.

● مقایسه‌ای کلی میان این دو کتاب

آنچه تاکنون بیان شد راه کارها و نمودهای مشترک و مشابه

ندارند.^(۱) این را می‌توان در عهد قدیم و یا اعمال رسول و نامه‌ها و گزارش‌های چند پاره آنها مشاهده کرد.

۳- از آنجا که متن قرآن غیر قابل تردید و در نظر مسلمانان - است، هیچ‌گونه نقد درون متنی درباره شکل الفاظ و تعبیرها و ارزیابی‌های تاریخی و روانشناسی و جامعه‌شناسی و حتی تاریخی انجام نمی‌گیرد. اما درباره کتاب مقدس از قرن نوزدهم به بعد در

شکل گسترده انجام گرفته و تردیدهایی در آن راه رفته است.^(۲) بنابراین بیشترین کاری که در باب قرآن شکل گرفته، تلاش برای فهم بهتر متن و درک موقعیت شرایط نزول وحی و حل مشکلات و واژه‌های ناآشنای آن و برخی پژوهشهای مربوط به چگونه خواندن کلمات قرآن (اختلاف قرائتها) است.

۴- تفاوت دیگر در شک مضمون از نظر ایجاز بیان و فشرده‌گی مطالب و قالب‌های ادبی استوار و وجود قرائتهای متعدد در مورد قرآن است، که ضرورت تفسیر را در مقایسه با عهدین فراهم آورده است. به همین دلیل بحثهای نحوی، لغوی، بلاغی و حدیثی برای بیان معانی و پرده‌برداری از راز معنا نضج گرفته و تفسیرهای بزرگی در این زمینه به نگارش درآمده است و نکته قابل توجه در نظر مسلمانان در تأکید بر واژه‌ها و تعبیرات و تقدیم و تأخر واژه‌ها و جمله‌ها، حذف و اضافه، بعد اعجاز بیانی و بلاغی قرآن و هم‌آورد طلبی قرآن است که اگر می‌توانید مانندش را بیاورید^(۳) همین تفاوت

تفسیر رمزی از کتاب مقدس بسیار شبيه است به آنچه در جهان اسلام به نام باطنی‌گری رخ داده است.

موجب آن شده که در زمینه کلمات، دقت و ژرفنگری شود. در حالی که در کتاب مقدس چنین چیزی ادعا نشده، بلکه به این تفاوت اذعان شده و به جنبه بشری بودن آن تصریح شده است. در این زمینه فهیم عزیز از تفسیر پژوهان معتقد مسیحی در این باره می‌گوید:

ما درباره کتاب مقدس بر این باور نیستیم که از لوح محفوظ آمده و از آسمان نازل شده آن طوری که مسلمانان معتقدند. بلکه اطمینان داریم که خدا این نوشته را به اندازه توانایی بشری از زبان و اندیشه و دانش مناسب با شرایط تاریخی کتابت عرضه کرده است.^(۴)

البته نکات دیگری در بحث مقایسه بویژه در زمینه محتوا و اسلوب و ذکر فصول آن مطرح است که در هنگام بیان روشهای تفسیری به برخی از آنها اشاره شد. امید است این معرفی کوتاه اما مقایسه‌ای از شکل تفسیر، اشتراکها و تفاوتها را نشان داده باشد.

۱- طریقه التحلیل البلاغی والتفسیر فی الكتاب المقدس/ ۲۶.

۲- همان، ص ۲۷.

۳- خداوند در سوره‌های بقره/ ۲۳ - ۲۴، اسراء/ ۸۸، به این نکته تأکید کرده است. نیز کتابهای بسیاری در اثبات این ویژگی قرآن چه از جهت اعجاز و چه تفسیر بلاغی و بیانی نگاشته شده است.

۴- علم التفسیر، ص ۱۶۳.